

موضوع شناسی انواع الکل و طهارت آن

محمود رفیعی
استاد سطوح عالی، حوزه علمیه، قم، ایران



تاریخ دریافت: ۱۴۰۰.۰۱.۱۸ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱.۰۱.۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱.۰۵.۲۳

چکیده

موضوع شناسی دقیق، یکی از الزامات عملیات تفقه است و ضعف در شناخت صحیح موضوع حکم شرعی منجر به استنباط غلط و در نتیجه حکم نادرست می‌گردد. بی‌تردید فقها به دلیل عدم تخصص در علوم پایه احیاناً ممکن است موضوع شناسی صحیحی نداشته باشند. از جمله این علوم، علم شیمی است که احیاناً ممکن است فقیهان، موضوع شناسی صحیحی از الکل نداشته باشند و قاعدتاً در چنین مواردی لازمست موضوع شناسی را به کارشناس آن واگذار نمایند و در صورت عدم احراز موضوع، به سراغ اصول بروند و همین مسئله می‌تواند منجر به تفاوت استدلال و فتوای آنها گردد. نویسنده در این مقاله با بررسی دلایل طهارت الکل در چهار محور (اصل، عدم صدق اسم، روایات طهارت و انصراف به متعارف) و دلایل نجاست الکل در چهار محور (اصل، اجماع، روایات عام نجاست و روایت خاص) مبنای نجاست همه مسکرات را ابطال نموده است و قائل به طهارت الکل است. لکن در پایان برای حل مسئله طبق مبنای مخالف (مبنای نجاست همه مسکرات) به موضوع شناسی دقیق الکل و بررسی مسکریت اقسام آن پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که به جز الکل طبی - که مسکر و سمی است - سایر اقسام الکل مسکریت ندارند و پاکند.

واژگان کلیدی: موضوع شناسی، شبهه موضوعیه، الکل، موضوع شناسی الکل، طهارت، نجاست.

پرتال جامع علوم انسانی

Thematics of types of alcohol and its purity

Abstract

Accurate thematics is one of the requirements of Tafqah operations, and weakness in the correct understanding of the subject of the Sharia ruling leads to wrong inference and as a result the wrong ruling. Undoubtedly, the jurists may not have the correct thematics due to their lack of expertise in basic sciences. Among these sciences is the science of chemistry, which may be that the jurists do not have a correct thematics of alcohol, and usually in such cases, it is necessary to leave the thematics to the expert, and if the issue is not verified, they should go to the principles, and the same issue can be lead to differences in their arguments and fatwas. In this article, the author examines the reasons for the purity of alcohol in four axes (principle, inauthenticity of the name, traditions of purity and abandoning the conventional) and the reasons for the impurity of alcohol in four axes (principle, consensus, general traditions of impurity and specific narration), the basis of the impurity of all intoxicants. has invalidated and believes in the purity of alcohol. But in the end, in order to solve the problem according to the opposite basis (the basis of the impurity of all intoxicants), he studied the exact thematics of alcohol and examined the intoxication of its types and concluded that except medical alcohol - which is intoxicating and poisonous - other types of alcohol do not have intoxicants and are clean.

Keywords: thematics. Doubt is the subject. alcohol Theology of alcohol. purity impurity .

مقدمه

بر اساس روایات اسلامی، ابلیس از ابتدای تاریخ برای گمراه نمودن بشر از شراب انگور استفاده نمود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، صص ۳۹۳-۳۹۴) و از همان موقع شراب در همه ادیان الهی حرام شمرده شد (همان، ص ۳۹۵) و قرآن نیز صراحتاً آن را حرام دانسته است (مائده: ۹۰-۹۱). گرچه در عهد عتیق موجود که تحریف آن قطعی است (نک: صدوق، ۱۳۹۸، ص ۴۲۵) مواردی از شراب‌خواری انبیای الهی نظیر نوح، لوط و اسحاق (علیهم‌السلام) ذکر شده، اما در جای دیگرش، نهی از نوشیدن شراب و هر مست‌کننده را فریضه ابدی در نسل هارون و فرزندان او دانسته است (لاویان: فصل ۱۰) و یا ترک شراب و مست‌کننده‌ها را جزء عهدی دانسته که خداوند (يَهُوَه) به وسیله موسی (علیه‌السلام) در حوریب از بنی‌اسرائیل گرفت (تثنیه: فصل ۲۹) و همچنین فرموده: «مست شراب مشوید که در آن فجور است، بلکه از روح پر شوید» (افسیان: فصل ۵).

علاوه بر این حکم تکلیفی یعنی حرمت، اجمالاً مشخص است که برخی مسکرات دارای حکم وضعی نجاست نیز هستند، اکثریت قاطع علمای اسلامی شراب را نجس می‌دانند و صاحب‌جوهر که او را سخنگوی مشهور می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۵) معتقد است که شیعه بر نجاست خمر اجماع دارد و مخالفین قول، قابل اعتنا نیست. وی این اجماع را از «المبسوط»، «الخلافا» و کتاب الأطمعه «ایضاح الفوائد» نقل می‌کند. در ادامه حیطه اجماعی بودن نجاست خمر و عدم اعتنا به مخالف را، به جمیع مسلمین گسترش می‌دهد ضمن عباراتی از سید مرتضی، ابن‌زهره حلبی، ابن‌ادریس حلّی، یحیی بن سعید حلّی و شهید اول (علیهم‌الرحمه) نص بر اجماعی بودن قول به نجاست بین جمیع مسلمین و بی‌اعتنایی به قائل طهارت را نقل می‌کند و نهایتاً با نقل سخنی از شیخ بهاء می‌گوید: «علمای اسلام از شیعه و اهل تسنن، همه در این مسئله (نجاست خمر) هم‌اعتقادند، جز گروهی شاذ از ما و ایشان، که هیچ یک از دو گروه به مخالفت ایشان اعتنا نکرده‌اند» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲-۴).

برخلاف شراب انگور، چنین اجماعی در مورد سایر مست‌کننده‌ها به چشم نمی‌خورد. این اختلاف در مورد مسکرات صنعتی بیش از مسکرات طبیعی است، چرا که موضوع‌شناسی دقیقی در مورد آن انجام نشده است، دلیل این مطلب در دو نکته قابل ارائه است: اولاً متدینین معمولاً سروکاری با این مسکرات ندارند تا بتوانند موضوع‌شناسی دقیقی داشته باشند؛ ثانیاً این مسکرات حاصل فرایندهای شیمیایی و ساخته‌شده در لابراتورهای صنعتی هستند که غیرمتخصصان از جزئیاتش ناآگاه‌اند. کاربردهای پزشکی و صنعتی الکل، منجر به تحول گسترده‌ای در به کارگیری

آن و اظهارنظرهای متعدد پیرامون احکام فقهی آن گردیده است و همین مطلب اهمیت و ضرورت موضوع‌شناسی دقیق آن را بیش از پیش آشکار می‌کند.

با بررسی دقیق مشخص می‌شود که بسیاری از محققین -آگاهانه یا ناآگاهانه- با نوعی پیش‌داوری و پذیرش برخی پیش‌فرضها وارد بحث فقهی شده‌اند. مثلاً صبور اردوبادی در آثار خویش، فرض را بر این گرفته که اسکار معیار نجاست است و بدون بحث فقهی، در تخصص خود (شیمی تغذیه) به بررسی مصادیق پرداخته تا حکم را بر مصادیق تطبیق دهد (صبور اردوبادی، بررسی فرآورده‌های الکل از نظر فقه اسلامی، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱۲، صص ۹۱۶-۹۱۸). آذربادگان نیز معتقد است علت حرمت و نجاست خمر و سایر نوشیدنی‌های الکلی، مستی‌آوری آنهاست وی که فتاوی فقهها در مورد نجاست یا طهارت الکل را نتیجه تطبیق عمومات نجاست خمر بر الکل یا عدم تطبیق می‌داند، معتقد است اولاً شناخت ضعیف فقهها از الکل و فرآورده‌های آن، عامل اصلی اختلاف فتاواست و ثانیاً برخی از انواع الکل به علتی سمی بودن غیرقابل شرب‌اند و برخی دیگر مستی‌آور نیستند، بنابراین تخصصاً خارج از ادله نجاست مسکرات‌اند. آذربادگان پس از تبیین ساختار مولکولی الکل، انواع آن، روش‌های تهیه و شیوه تأثیر آن بر بدن نهایتاً نظر خود در طهارت و حلیت برخی مصادیق الکل و فرآورده‌های آن را تبیین می‌کند و فتاوی فقهها در این زمینه را مبناشناسی می‌کند (آذربادگان، ۱۳۸۱، بررسی علمی و فقهی الکل و فرآورده‌های آن، فقه، سال نهم، صص ۱۸۳-۲۶۰). این مقاله ۷۸ صفحه‌ای علیرغم تحقیقات فراوان و دقیق که در نوع خود کم‌نظیر است، نتوانسته توقع از یک مقاله علمی-پژوهشی را برآورد، چرا که از حیث شکلی اولاً بیشتر موضوع‌محور است و نه مسئله‌محور، به همین جهت مکرراً دارای مسائل استطرادی و خروج از بحث است، ثانیاً فاقد اجزاء یک مقاله استاندارد (چکیده، کلیدواژه، نتیجه‌گیری، فهرست منابع) است و نمی‌تواند به خواننده، شناخت واضحی از هدف، سؤالات، نتایج و دستاوردهای تحقیق و... ارائه کند و خواننده باید خود مطالب گوناگون را به یکدیگر ربط دهد و به دنبال مستندات بگردد؛ از حیث محتوایی نیز اولاً ادله طهارت و نجاست را مطرح و بررسی نکرده و برای خواننده مبهم است که از مجموع ادله -نه خصوص دلایلی که نویسنده ذکر نموده- چه حکمی برداشت می‌شود، ثانیاً از اسناد روایات بحث ننموده، ثالثاً در مورد موضوع‌شناسی الکل -که از رسالت‌های اصلی آن مقاله بوده- خطا کرده است.

در میان کتب فقهی و استفتاء، به نظر می‌رسد شهید صدر بهترین موضوع‌شناسی را در مورد الکل و فرآورده‌های آن و چیزهایی که نوشیدنش نامتعارف است انجام داده و ضابطه علمی برای تشخیص مسکر از غیر آن را مشخص می‌کند (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، صص ۳۵۴-۳۶۳) اما ظاهراً

نسبت به دو احتمال قابل توجه از پنج احتمال در معنای اصلی‌ترین روایت باب (صحیح‌ه علی بن مهزیار) غفلت ورزیده، همچنین اقسام الکل را بر مصادیق خارجی آن تطبیق نداده است؛ که این دو نقیصه در این تحقیق برطرف شده و معنای صحیح روایت - که سازگار با عبارات دیگر فقها ذیل این روایت و موافق برخی ادله عام است - تبیین گردیده. نویسنده کتاب الکل و فرآورده‌های آن در فقه اسلامی نیز گرچه تلاش بسیار خوبی در تبیین الکل و شناخت آن و ادله باب انجام داده که در نوع خود کم نظیر است (وحدتی شبیری، ۱۳۹۸، ص ۷۶)، لکن در بزنگاه بحث با حمل روایات طهارت بر تقیه، آن موضوع شناسی دقیق را به کمک نگرفته و عملاً از به‌کارگیری علوم روز در تشخیص موضوعات فقه، اجتناب نموده، درحالی‌که توقع از کتابی باین موضوع شناسی دقیق، غیر از این است؛ همچنین در استدلال‌ها و نتایج کتاب مذکور تهافت مشاهده می‌شود، چنان‌که در صفحه ۷۷ و ۸۶ به نجاست الکل حکم می‌کند و نهایتاً نیز به لزوم اجتناب از الکل و حرمت نوشیدنش حکم می‌کند، اما در نتیجه پایانی کتاب بدون استدلال نتیجه گرفته که الکل پاک است (وحدتی شبیری، ۱۳۹۸، صص ۷۷، ۸۶، ۹۹، ۱۰۹ و ۱۲۳).

این مقاله که برگرفته از رساله سطح ۳ نویسنده است و با درجه عالی در حوزه علمیه قم دفاع شده است، سعی نموده با رفع تمام این خلل‌ها و استدلال علمی نشان دهد که می‌توان با پیوند میان علم شیمی و فقه، الکل را به عنوان موضوع حکم وضعی طهارت یا نجاست بهتر شناخت تا نیازمند تمسک به اصل یا تمسک به عمومات یا مرجحات باب تعارض و... نشویم. و البته شاهدی است بر این مطلب که عرفی بودن موضوعات احکام، منافاتی با تلاش برای موضوع شناسی دقیق ندارد و می‌توان با کمک گرفتن از علوم دیگر، عرف را در شناخت مشتبه یاری نمود و آن‌گاه دقت‌های فقهی را بر این موضوع غیرمشتبه به کار بُرد.

به نظر می‌رسد بهتر است برای موضوع شناسی الکل و حکم آن، مطالب این مقاله در چهار مرحله ارائه شود: ۱- نقل فتاوا در مورد الکل ۲- بررسی ادله احتمالی آن فتاوا ۳- موضوع شناسی دقیق ۴- تبیین فتوای صحیح در مسئله.

۱. موضوع شناسی انواع الکل

ماده اصلی تشکیل دهنده الکل، کربن است. به نظر می‌رسد مرحوم شیخ حسین حلی نخستین فقیهی است که مسئله موضوع شناسی الکل را مطرح نموده است و در تقریرات درس فقهش ناشناخته بودن ماهیت آن سخن می‌گوید (حلی، ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۴۸۱)، همین مطلب توسط شهید سید مصطفی خمینی نیز ذکر شده است (خمینی، ۱۳۷۶، ص ۹۰). شهید سید محمد صدر معتقد

است اسکار ثمره وجود الکل در مواد گوناگون است و به همین سبب هرچه واجد الکل باشد، حکم مسکرا را دارد (صدر، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۲۱۲). محسنی قندهاری با اشاره‌ای اجمالی به ساختار شیمیایی الکل که از ترکیبات هیدروکسیل محسوب می‌شود، معتقد است متخصصین فن الکل را عنصر مست‌کننده مسکرات می‌دانند و آنگاه به ذکر ۱۲ مصداق از الکل و کاربرد و مضرات هر یک اشاره می‌کند (محسنی قندهاری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۳۲).

شهید سید محمدباقر صدر و شهید سید محمد صدر در میان فقها دقیق‌ترین موضوع شناسی الکل را مطرح نموده‌اند. ایشان اشاره‌ای اجمالی و البته دقیق به پیوند کوالاسی کربن و ترکیبات هیدروکسیل دارند (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۰؛ صدر، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۱۸۳).

در غیر کتب فقهی نیز استاد ابوالحسن شیخ در کتاب «شیمی‌آلی (ارگانیک)» دقیق‌ترین موضوع شناسی را انجام داده‌اند و سپس سید حسن وحدتی شبیری در کتاب «الکل و فراورده‌های آن در فقه اسلامی» عمدتاً به نقل از کتاب «شیمی‌آلی (ارگانیک)» به موضوع شناسی دقیق اقسام الکل پرداخته است.

کربن^۳ با نام اختصاری C در جدول تناوبی عناصر شیمیایی که به عربی «فحم» نامیده می‌شود، یک عنصر استثنائی در علم شیمی است. گستردگی و اهمیت ترکیبات کربنی به حدی است که یکی از گرایش‌های رشته شیمی را -با عنوان شیمی‌آلی^۴- به خود اختصاص داده است.

هرگاه اتم کربن با هیدروژن و اکسیژن، پیوند کوالانسی^۵ برقرار کند، ترکیبات هیدروکسیل^۶ یا همان الکل^۷ -که دارای انواع مختلف است- به دست می‌آید.

چنان‌که ذکر شد، شهید سید محمدباقر صدر و شهید محمد صدر، بهترین موضوع شناسی را در فقه شیعه پیرامون الکل انجام داده‌اند، ایشان به دو مورد از تقسیمات انواع الکل اشاره می‌نمایند: اقسام الکل از حیث ترکیب شیمیایی و انواع الکل از حیث شکل عرضه در سطح اجتماع.

بر اساس این تقسیمات می‌توان موضوع شناسی دقیقی از اقسام الکل داشت و حکم فقهی استفاده هر یک را نیز به دست آورد.

^۳ الفحم

^۴ الكيمياء العضوية

^۵ یعنی اشتراک الکترون‌های آخرین مدار، نه همه الکترون‌ها.

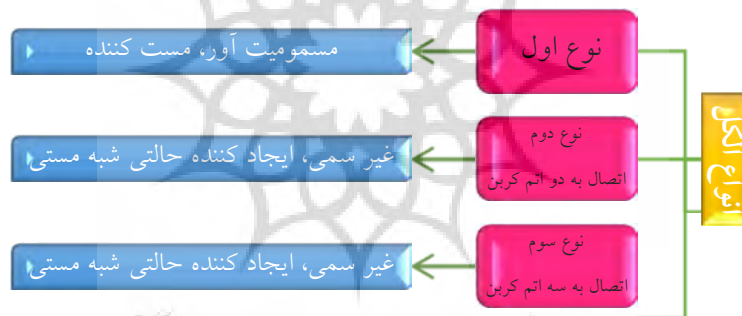
^۶ الفحوم الهیدروجنیه

^۷ الکحول

اقسام الکل از حیث ترکیب شیمیایی:

در اولین دسته‌بندی، انواع الکل بر اساس نحوه اتصال کربن به گروه هیدروکسیل به سه دسته تقسیم می‌شوند: اگر کربن متصل به گروه هیدروکسیل تنها به یک اتم کربن دیگر متصل شده باشد آن را الکل نوع اول،^۸ و اگر به دو اتم کربن متصل باشد الکل نوع دوم^۹ و اگر با سه اتم کربن پیوند داشته باشد الکل نوع سوم می‌گویند.

الکل نوع دوم و انواع بالاتر، سمی نیستند و حلاوتی مانند مستی - نه خود مستی - ایجاد می‌کنند. اما الکل‌های نوع اول، موجب ایجاد مستی و مسمومیت‌اندک می‌شود، که بستگی به میزان کربن موجود در آن الکل دارد (رک: صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۱). حال برای شناخت مسکریت انواع الکل باید به سراغ مصادیق آن رفت که در قالب محصولات مختلف در سطح اجتماع عرضه می‌شود.



نمودار شماره ۱: انواع الکل بر اساس نحوه اتصال کربن به گروه هیدروکسیل

انواع الکل از حیث شکل عرضه در سطح اجتماع

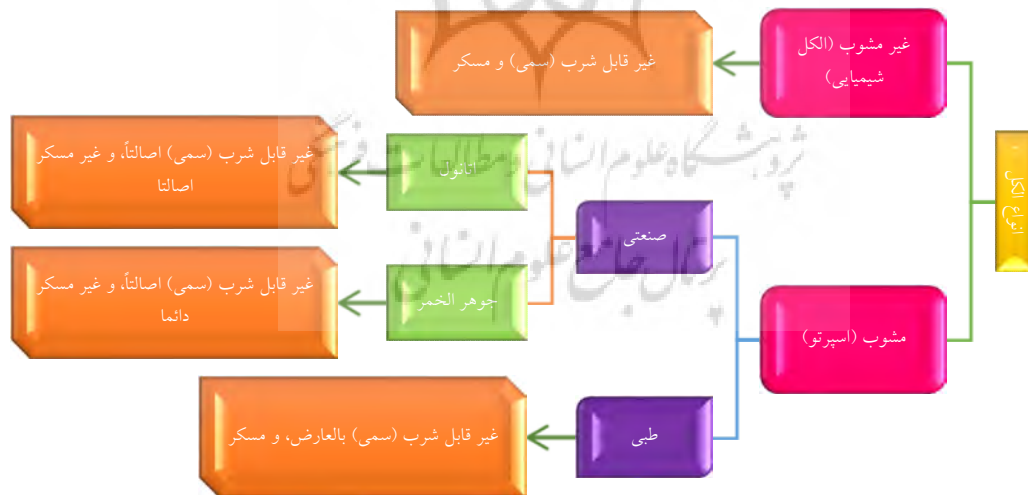
در دومین دسته‌بندی الکل از جهت فرآیند تولید و اسامی آن برای کاربردهای مختلف استفاده مورد بررسی قرار می‌دهد؛ الکل اگر با ماده دیگری مخلوط نشود، الکل شیمیایی نامیده می‌شود و اگر با مایع دیگری مخلوط و رقیق شود، در زبان عربی اسپرتو نامیده می‌شود. اسپرتو نیز دو قسم

^۸ الکحول الأحادی أو أحادية الهيدروكسيل

^۹ الکحول الثنائي أو ثنائية الهيدروكسيل

است: الف) اسپرتوی صنعتی. یکی از اقسام این اسپرتو - که از نوع الکلهای نوع اول نیست و دارای کربنی کمتر از مقدار لازم برای سُکر است - اتانول^۱ نامیده می‌شوند. اتانول سه چهارم الکل است، سمی هست و معمولاً در صنایع به‌عنوان حلال و ضدّ یخ به کار می‌رود. یکی دیگر از این اسپرتو که جوهر الخمر نامیده می‌شود، الکلی است غلیظ که به وسیله تبخیر اسپرتو به دست می‌آید تا به عنوان سوخت استفاده شود (ب) اسپرتوی طبی که نصفش الکل است و سازندگانش با افزودن مواد سمی به آن، کاربرد آن را در امور پزشکی و سلامت منحصر کرده و مانع از به‌کارگیری آن در لهو و استفاده فسّاق شده‌اند. (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۰-۳۶۳؛ کارگری و همراهی، ۱۳۹۱، ص ۲؛ سایت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اراک، ۱۳۹۸).

برخی فقها در بیان حکم اسپرتو و جوهر الخمر - با تصور اینکه این ماده حاصل تبخیر و تصعید خمر است - معتقدند همانطور که تبخیر بول موجب استحاله و حکم به طهارت بخار می‌شود، جوهر الخمر نیز پاک است گرچه این بخار مجدداً به مایع تبدیل شود (خوئی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۰۰-۱۰۱) اما این قیاس مع الفارق است؛ چرا که در بخار بول، صحبت درباره حکم اجزای آبی است که از بول تبخیر شده، نه در مورد باقیمانده آن (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۲). بر همین اساس می‌توان دریافت که اینگونه فتاوا و استدلال‌ها، ناشی از نشناختن موضوع حکم است و با موضوع‌شناسی دقیق، می‌توان حکم واقعی و استدلال صحیح را فهمید.



نمودار شماره ۲: انواع الکل در فرآیند تولید و مسکریّت آن

^۱ الكحول المیتريّة أو الميثيلية أو الإيثيلية أو ایتیل.

۲. بررسی حکم طهارت الکل

پس از موضوع شناسی الکل، اکنون می‌توان به تطبیق احکام شرعی بر این موضوع پرداخت. بحث از نجاست و طهارت الکل، منوط به دو مطلب است: ۱- اثبات مسکریّت ۲- اثبات نجس بودن مسکرات؛ و از آنجا که حکم همه مسکرات فرع بر حکم خمر است، محور مباحث فقهی در این زمینه، مبحث طهارت و نجاست خمر است.

فقه‌های قائل به طهارت خمر، قائل به طهارت سایر مسکرات نیز هستند. جمعی فقها معتقدند که همه مسکرات نجس‌اند و حتی برخی این فتوا را قول مشهور دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۰۳، ص ۲۴) گستره قائلین به این قول از شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۳) تا ایت‌الله گلپایگانی (گلپایگانی، ۱۳۷۱، ص ۹) و ایت‌الله سیستانی (سیستانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۳۸) است. گرچه اینان در ادله این فتوا اختلاف دارند اما اگر مسکریّت الکل ثابت شود، موضوع حکم نجاست برایشان ثابت شده است. برخی دیگر از فقها نیز در مورد مسکرات غیر خمر - از جمله الکل - قائل به طهارت‌اند، از ابن‌عقیل (عمانی، بی‌تا، ص ۲۰) تا محقق خوئی (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۰۰) و امام خمینی (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، صص ۲۵۸ و ۲۶۲).

قائلین به طهارت و نجاست برای خود ادله‌ای ذکر کرده‌اند و یا برای فتوای ایشان ادله‌ای قابل تصور است. ادله قول به طهارت عبارت‌اند از اصل، عدم صدق اسم خمر، روایات طهارت خمر و انصراف ادله به فرد متعارف. ادله قول به نجاست نیز عبارت است از اصل، اجماع، روایات نجاست خمر و روایت خاص دال بر نجاست. در ادامه به بررسی ادله قائلین به طهارت الکل، ادله قائلین به نجاست آن و نقد هر یک از این ادله و تبیین حکم صحیح در مسئله پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱- ادله قائلین به طهارت الکل:

برای قائلین به طهارت الکل چهار دلیل قابل طرح است:

۲-۱-۱- اصل

مراد از اصل در اینجا اصل براءت و اصل طهارت است. در تمسک به براءت چنین می‌توان گفت: هنگام شک در اصل تکلیف در صورتی که فحص صورت گرفته باشد و دلیلی یافت نشود، تکلیف الزامی وجود ندارد (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۱۹). همچنین می‌توان به اصالة الطهارة تمسک نمود که برگرفته است از روایاتی مانند «همه چیز پاک است تا موقعی که بدانی نجس

است، پس هرگاه دانستی نجس است و آنچه ندانستی تکلیفی بر تو نیست» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۵) و «همه چیز بر همین حال (اباحه) است تا غیر آن بر تو آشکار شود یا بینه بر آن قائم شود» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۲۶) که نشان می‌دهد تا دلیل معتبر بر منع استعمال و اثبات نجاست وجود نداشته باشد، استفاده از هیچ چیزی منع ندارد. محقق اردبیلی از فقهای است که برای اثبات طهارت به اصل تمسک نموده است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۱۰).

۲-۱-۲- عدم صدق اسم خمر

خمر اصلی‌ترین مسکرات است تا جایی که برای تبیین حکم چیزهای دیگر، آن‌ها را به خمر تشبیه کردند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۲۵) و یا همه یا برخی مسکرات را خمر یا به منزله خمر معرفی نمودند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۱۱-۱۱۲). این‌ها موجب شده که برخی فقها همانند برخی لغویون (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۹۹) با الحاق موضوعی همه مسکرات به خمر، خمر را اسمی عام برای همه مسکرات (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۱۶۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۱۱۲-۱۱۳) و صدق اسم خمر را معیار حکم و عدم صدق اسم خمر را موجب عدم حکم بدانند (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۰۰). براین مطلب سه اشکال وارد است:

اشکال اول: مطابق تصریحات برخی علمای لغت (ابن سیده، ۲۰۰۰م، ج ۵، ص ۱۸۵) و علمای فقه (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۷۴؛ عاملی، ۱۴۱۸، ج ۲، صص ۵۰۷-۵۰۸؛ محقق سبزواری، ۱۲۴۷، ج ۱، ص ۱۲۹)، خمر اسمی برای عصیر عنب است و نه جمیع مسکرات و استعمال آن برای سایر مسکرات تسمیح و مجاز است و شواهدی براین مطلب وجود دارد (ابن سیده، ۲۰۰۰م، ج ۵، ص ۱۸۵).

اشکال دوم: عرف از تنزیل چه می‌فهمد؟ در پاسخ این پرسش باید گفت عرف «جریان دادن تنزیل از ناحیه موضوع» را می‌فهمد، مثلاً وقتی گفته می‌شود «الطَّوَّافُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ» (دارمی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۱۵۶) فهم عرفی این است که همه طواف‌ها مانند نمازند، نه این که طواف، همه احکام نماز را دارد. پس وقتی گفته می‌شود که مسکرات خمرند، فهم عرفی چنین می‌شود: همه مسکرات مانند خمر هستند، نه اینکه هر حکمی خمر داشت، آنها هم دارند (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۷).

اشکال سوم: وجه شبهه این تنزل چیست؟ می‌دانیم که برای تنزیل، باید مشابهتی وجود داشته باشد و هرگاه تشبیه و تنزیل بدون قرینه خاص باشد، عرفاً انصراف پیدا می‌کند به ویژگی اصلی مشترک

و آن ویژگی قطعی و متبادر از خمر نزد متشرعه، حکم تکلیفی حرمت تناول است. به علاوه اگر حرمت خمر از ضروریات اسلام باشد - که هست - دیگر نیازی نبود معصوم (علیه السلام) در روایتی خمر را به منزله مردار (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۱۴) و در روایت دیگر به منزله دُنبه یا گوشت خوک (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۱۳) معرفی کنند، خصوصاً که حرمت همین موارد نیز از ضروریات اسلام و نصوص قرآن است. پس این تنزیل باید متضمن معنایی دیگر باشد و آن چیزی نیست جز نجاست. پس فهم عرفی از اطلاق تنزیل خمر، چنین می‌شود: «همه خمرها از جهت حرمت، همانند مردار و خوک هستند» (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۳۲-۳۳۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۷؛ خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۶۴).

۲-۱-۳- روایات طهارت خمر

فقهای که روایات طهارت خمر را بر روایات نجاست ترجیح داده‌اند - نظیر محقق اردبیلی (اردبیلی، بی تا، صص ۶۲۷ و ۶۲۸) - می‌توانند با تنقیح مناط و یا قیاس اولویت، به طهارت سایر مسکرات حکم کنند. توضیح: از آنجا که مناط و معیار در طهارت خمر (ترجیح ادله طهارت) در سایر مسکرات نیز وجود دارد، پس حکمشان یکسان است و یابینکه گفته شود اگر خمر - که اصلی‌ترین مسکرات است - پاک باشد، سایر مسکرات به طریق اولی پاک‌اند، بنابراین الکل نیز - حتی بر فرض مسکریّت - پاک است. ممکن است بتوان این مطلب را از عبارت صاحب‌جواهر ذیل توضیح دلیل بی‌اعتنایی مرحوم سید مرتضی به قول مخالف در نجاست مسکرات استنباط نمود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳-۴).

اشکال اصلی بر این سخن اشکال مبنایی و نپذیرفتن ترجیح روایات طهارت خمر بر روایات نجاست آن است که بحث آن از نطق این نوشته خارج است (رک: رفیعی، ۱۳۹۹، ص ۶۲-۶۶).

۲-۱-۴- انصراف ادله به مسکرات متعارف

واژگان همیشه در معنای معهود و متعارفشان نزد عرف استعمال می‌شوند و استعمال در غیر آن نیازمند قرینه است. بنابراین مراد از واژه «مسکر» در روایات، مصادیق متعارف آن (نظیر خمر و فقع) است و ادله از سخن پیرامون مصادیق نامتعارف نظیر الکل - بر فرض اثبات مسکریّت - ساکت‌اند (خوئی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۰۰). شهید صدر در تأیید این سخن استادش (انصراف به متعارف) معتقد است اولاً دلیل مستقلاً بر طهارت مسکری که شربش نامتعارف است وجود ندارد و هرچه هست همان ادله طهارت مطلق مسکر است که در تعارض با ادله نجاست و اِعمال مرجح

علاجی، ساقط شده است. ثانیاً - بر فرض وجود دلیل خاص - تقیه، فتوا به طهارت را اقتضا می‌کند؛ زیرا افتا به نجاست غیرخمر به معنای افتا به نجاست خمر هم هست - چون قطعاً حال خمر از مسکرات غیر خودش بدتر است - و این یعنی رویارویی با سلاطین شارب الخمر (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۵۹).

البته وی در ادامه، خن استادش را نقد می‌کند چرا که باید بررسی شود که منشأ این انصراف چیست؟ ۱- نبودن چنین مسکری در آن دوران؛ ۲- مناسبت حکم و موضوع، که عرفاً موضوع مسکر را مختص به مسکری می‌کند که برای نوشیدن تهیه می‌شود.

اگر منشأ انصراف، فقدان چنین مسکراتی در آن زمان است، باید گفت صرف عدم وجود، دلیل بر انصراف نمی‌شود، به دلیل صحت حمل واژه مسکر بر مسکر غیر متعارف و عدم صحت سلب مسکر از آن، همانند سایر مسکرات.

اگر منشأ انصراف، مناسبت عرفی بین حکم و موضوع است، باید گفت ارتکازات عرفی چنین مناسباتی را درک نمی‌کند و عرف بعید نمی‌داند که اسکار، خودش حکمت نجاست باشد هرچند نوشیدن آن مسکر نامتعارف باشد. باین بیان به نظر شهید صدر انصراف به فرد متعارف، غلط است (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۵۹).

۲-۲- ادله قائلین به نجاست الكل:

ادله‌ای که برای قائلین به نجاست الكل ذکر شده یا ممکن است ذکر شود، مجموعاً چهار دلیل اند (اصل، اجماع، روایات عام و روایت خاص). در ادامه هریک از آنها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۲-۱- اصل

اگر در مورد مصداقیت الكل و امثال آن برای خمر و مسکر شک کردیم و پس از بررسی باز هم نتوانستیم به اطمینان برسیم که الكل مصداق خمر و مسکر نیست، لازمست جهت مصون ماندن از عقاب محتمل و رعایت حق طاعت احتیاط نماییم تا براثت یقینی از این تکلیف حاصل شود. نظیر این استدلال در عبارات فاضل مقداد در شرح قول محقق حلی به چشم می‌خورد (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۵) و ممکن است بتوان این سخن را از فتاویٰ برخی معاصرین برداشت نمود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹، ص ۳۷).

۲-۲-۲- اجماع

از سوی برخی فقها ادعای اجماع یا عدم الخلاف شده یا شهرت قول نجاست مسکرات (عمانی، بی‌تا، ص ۱۹؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۶؛ حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۶۹) یا مسکرات مایع (حلبی، ۱۴۱۷، ص ۴۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳) یا خصوص مسکرات مایع بالأصالة (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۶۵) که بر فرض اثبات مسکریته الکحل، آن را نیز شامل می‌شود.

همچنین برخی فقها با تمسک به اجماع مرکب معتقدند از آنجا که همه قائلین به نجاست خمر، قائل به نجاست سایر مسکرات نیز هستند و همه قائلین به طهارت خمر قائل به طهارت سایر مسکرات هستند، بنابراین با اثبات نجاست خمر، نجاست سایر مسکرات نیز اثبات می‌شود (خوانساری، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲۲) در نقادین سخن باید گفت چنین فهمی از کلام علما در ناحیه قول به نجاست صحیح نیست و میان قائلین به نجاست خمر در مورد نجاست سایر مسکرات اختلاف هست.

۲-۲-۳- روایات عام (نجاست خمر)

اگر ادله طهارت و نجاست مسکر تکافؤ نمایند و روایات نجاست به دلیلی ترجیح یابند، ادله طهارت را از حجیت یا اراده جدی ساقط می‌کند و معنا ندارد که فرد نادر -یعنی مسکری که شربش نامتعارف است- بی دلیل خاص از این دلیل حاکم خارج شود (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۵۸؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۰۳) بنابراین روایات نجاست خمر می‌تواند دلیل بر نجاست الکحل باشد، البته بر فرض پذیرفتن مسکریته آن.

۲-۲-۴- روایت خاص (صحیحہ علی بن مهزیار)

در میان روایات نجاست خمر، پنج روایت نص یا شبه نص بر نجاست خمر هستند (رفیعی، ۱۳۹۹، ص ۲۴-۳۸) که در یکی از آنها (صحیحہ علی بن مهزیار) علاوه بر خمر و نبیذ، اجمالا در مورد مسکر نیز سخنی گفته شده است، بنابراین اصلی‌ترین مستند نجاست مسکرات شمرده شود. البته اگر دلالت این دلیل بر نجاست مسکرات اثبات نشود، هنوز هم طهارت ثابت نمی‌شود چراکه ممکن است گفته شود دلیل فقهاتی شرعی (مانند اصل احتیاط) یا عقلی (مانند مسلک حق الطاعة) بتواند نجاست را اثبات کند. پس از این بیان کوتاه، اینک به بررسی تفصیلی صحیحہ مذکور پرداخته می‌شود.

متن صحیحہ علی بن مهزیار

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيٍّ [بْنِ مَهْزِيَارَ] قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع: جُعِلَتْ فِدَاكَ رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ص فِي الْخَمْرِ يُصِيبُ ثَوْبَ الرَّجُلِ، أَنَّهُمَا قَالَا: لَا بَأْسَ [بِأَنْ يُصَلَّى فِيهِ إِنَّمَا حُرِّمَ شَرْبُهَا. وَ رَوَى غَيْرُ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِذَا أَصَابَ ثَوْبَكَ خَمْرٌ أَوْ نَبِيذٌ يَغْنِي الْمُسْكِرَ فَأَغْسِلْهُ إِنْ عَرَفْتَ مَوْضِعَهُ وَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْ مَوْضِعَهُ فَأَغْسِلْهُ كُلَّهُ وَ إِنْ صَلَّيْتَ فِيهِ فَأَعِدْ صَلَاتَكَ. فَأَعْلِمْنِي مَا أَخَذَ بِهِ؟ فَوَقَّعَ بِخَطِّهِ ع وَ قَرَأْتُهُ]: خُذْ بِقَوْلِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.

ترجمه: علی بن مهزیار می‌گوید: در نامه عبدالله بن محمد حاضینی به امام رضا (علیه‌السلام) خواندم که [چنین نوشته بود:]: فدایت شوم زراره از اباجعفر (=امام باقر علیه‌السلام) و اباعبدالله (=امام صادق علیه‌السلام) در مورد خمری که به لباس برخورد کند، روایت کرده که فرمودند «اشکالی ندارد که با آن نماز بخواند، چرا که فقط نوشیدنش حرام شده است» و غیر زراره از اباعبدالله روایت کردند که فرمود: «اگر خمر یا نبیذ -منظورش نبیذ مسکر بود- به لباس برخورد کرد، آنجا را بشوی اگر جایش را می‌دانستی و اگر موضع برخورد را نمی‌دانی تمام لباس را بشوی و اگر با آن نماز خواندی نمازت را اعاده کن». پس به من پیاموزید که کدام یک را عمل کنم؟ پس حضرت با خط خویش نوشت -و من هم خواندم-: سخن اباعبدالله را عمل کن. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۰۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۱)

بررسی سند روایت:

این روایت تا علی بن مهزیار، سه سند دارد: ۱- الحسین بن محمد عن عبدالله بن عامر ۲- محمد بن یحیی عن احمد بن محمد ۳- علی بن محمد عن سهل بن زیاد.

جناب «حسین بن محمد بن عامر» و «محمد بن یحیی العطار» و «علی بن محمد بن ابراهیم کلینی معروف به علان» هر سه اساتید کلینی و از ثقاتند (نجاشی، ۱۴۰۷، صص ۶۶ و ۳۵۳ و ۲۶۰). در طبقه بعدی روایان، دو نفرشان (یعنی عبدالله بن عامر اشعری و احمد بن محمد بن عیسی اشعری) از بزرگان فقهای شیعه در عصر خویش بوده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۱۸؛ طوسی، بی‌تا، ص ۶۰). نفر سوم (سهل بن زیاد) نیز وثاقتش به نظر ما ثابت است. لذا باید گفت هر سه سند روایت تام و در اوج اعتلاست و حتی اگر کسی در سهل بن زیاد مناقشه کند و آن را نپذیرد، دو

سند دیگر تام است. «سهل بن زیاد» از جمله راویانی است که بحث رجالی پیرامون وی، بسیار مفصل‌تر از رسالت‌این تحقیق است. اما اجمالاً بیان می‌شود که وی دارای توثیقات و تضعیفاتی است که منجر به اختلاف در پذیرش وثاقت وی شده است. نجاشی او را ضعیف در حدیث و غیرقابل اعتماد معرفی می‌نماید (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۸۵) ولی شیخ گرچه در فهرست او را ضعیف معرفی می‌کند (طوسی، بی‌تا، ص ۲۲۸) اما در رجال خویش وی را توثیق نموده است (طوسی، ۱۴۲۷، ص ۳۸۷) در توثیق وی به عبارات سید بحرالعلوم بسنده می‌شود که مشتمل بر پنج دلیل بر توثیق سهل بن زیاد است؛ اول: نص شیخ طوسی؛ دوم: کثرت روایات سهل در اصول و فروع، به ضمیمه اعتماد بزرگان اصحاب حدیث به او؛ افرادی نظیر شیخ صدوق و پدرش و کلینی (علیهم‌الرحمة)؛ سوم: سلامت او از وجوه ضعف، مخصوصاً ارتفاع (اعتقاد به تفویض) و تخلیط (تفسیر باطنی از شریعت یا داشتن تألیف در عقیده نادرست) چهارم: ریشه‌یابی تضعیف (رفتار احمد بن محمد بن عیسی قمی و قمیون با سهل بن زیاد) و ریشه‌کن نمودن آن (شتابزدگی قمیون و احمد بن محمد بن عیسی در قدح و طعن و اخراج از قم بر اساس تهمت و شک)؛ پنجم: عدم مذمت و قدح و نهی از سوی ائمه (علیهم‌السلام) در مورد وی و احادیثش، در حالی که او معاصر امام جواد و امام هادی و امام حسن عسکری (سلام‌الله‌علیهم) بود و ائمه در مورد افرادی که بعدها به ضعف شهرت یافتند، چنین اقدامی انجام داده بودند (بحر العلوم بروجردی، ۱۴۰۵، ج ۳، صص ۲۳-۲۵).

بررسی دلالت روایت

پیش از بررسی دلالتی روایت، مقدمتاً توجه به چند نکته لازمست که در کتب فقهی نمی‌توان آن‌ها را یکجا یافت لکن توجه به آنها به فهم بهتر روایت کمک می‌کند:

مقدمه اول: مکاتبه نمودن «عبدالله بن محمد الحظینی» از ثقات، با امام رضا (علیه‌السلام) که در نسخه تهذیب «و قرأته» نیز دارد، نشان از این است که این حکم تا آن زمان، از مسلمات و واضحات نشده بوده است و نمی‌توان در چنین مسئله‌ای به دنبال کشف حکم در زمان امامان سابق و یا حتی مخالفت عامه به عنوان مرجح گشت.

مقدمه دوم: این روایت از امام لاجق روایت شده و احادیث از مرجحات در تعارض ادله است، مثلاً آنجا که راوی می‌گوید حضرت صادق (علیه‌السلام) از من پرسید: اگر امسال حدیثی برایت بگویم و سال آینده خلافتش را، به کدام یک عمل می‌کنی؟ گفتم: آخری. حضرت فرمود: رحمت

خدا بر تو باد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۷). از این رو سخن امام رضا (علیه السلام) فصل الخطاب و رافع تعارض است.

مقدمه سوم: برخی معتقدند که مکاتبه بهتر از مشافهه است (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۵۷) ظاهراً به این دلیل که مکاتبه عیناً الفاظ معصوم (علیه السلام) است برخلاف مشافهه که ممکن است نقل به معنا شده باشد، پس اطلاعات و عمومات و قیود مکاتبه قابل اعتمادتر است. در مقابل برخی دیگر کاملاً به عکس مشافهات را قابل اعتمادتر از مکاتبات می‌دانند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۱۰) ظاهراً به این دلیل که در مکاتبات احتمال تقیه بیشتر است، چون ممکن بود توسط جاسوسان خلیفه خوانده شود، خصوصاً از دوران امام رضا (علیه السلام) به بعد که ائمه (علیهم السلام) مستقیماً تحت نظر بودند. ولی صحیح این است که نمی‌توان جزماً و مطلقاً هیچ‌یک از مکاتبه یا مشافهه را قابل اعتمادتر از دیگری دانست، چراکه از سویی آنچه برای جاسوسان دستگاه خلافت مهم بوده، اولاً شناسایی مرتبطين با امام (علیه السلام) بوده و ثانیاً اطلاع از مضمون نامه و احیاناً دستکاری محتوای آن. بنابراین اگر مضمون مکاتبه، تهدیدی برای دستگاه خلافت نداشته باشد (مانند همین مکاتبه که سؤال از نجاست است) قاعدتاً انگیزه‌ای برای دست‌کاری نامه وجود ندارد. از سوی دیگر مشافهات اطمینان‌آور، روایت ثقات است که اهتمام به تعبد به فرمایشات معصومین (علیهم السلام) داشته‌اند و همین تعبدشان منشأ استفتای آنها گردیده؛ بنابراین به نظر نویسنده مکاتبات و مشافهات همگی در مستوای واحدی قرار دارند و حتی اگر نقل به معنا هم صورت بگیرد (که در موارد فراوانی نیز چنین است) قاعدتاً در مواردی است که تبدل وازگان، خللی به مراد معصوم وارد نکند.

مقدمه چهارم: جمله معترضه «یعنی المسکر» با صیغه مفرد مذکر غایب نشان می‌دهد یکی از افراد مشترک در سند (یعنی عبدالله بن محمد حَضِیْنِی یا علی بن مهزیار یا کلینی) این عبارت را برای توضیح فرمایش امام صادق (علیه السلام) افزوده است؛ وگرنه اگر از خود امام بود، یا بدون ماده «عنی» می‌فرمود و به جای «نبیذ یعنی المسکر» باید می‌فرمود: «نبیذ مسکر» و یا با صیغه متکلم وحده می‌فرمود پس به جای «نبیذ یعنی المسکر» باید می‌فرمود: «نبیذ أعنی المسکر». و ثانیاً نشان از این است که آن فرد مشترک در سند می‌خواسته به سایرین تذکر دهد که نبیذ دو قسم مسکر و غیرمسکر دارد و آن سؤال و جواب درباره قسم مسکرش بوده است. برخی «یعنی المسکر» را اضافه‌شده از سوی نویسنده نامه (عبدالله بن محمد الحَضِیْنِی) می‌داند و احتمال می‌دهند شاید وی نمی‌خواسته نبیذ را تفسیر کند، بلکه می‌خواسته سؤال را به همه مسکرات تعمیم دهد و از نبیذ الغاء خصوصیت کند؛ در این صورت، پاسخ امام (علیه السلام) به نامه، تقریر آن تعمیم است (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۶۳). فارغ از مناقشاتی که ممکن است به این سخن بشود، نویسنده

معتقد است فرقی نمی‌کند که این عبارت از سوی چه کسی (نویسنده نامه یا سایر افراد مشترک در سند) اضافه شده باشد، چون معلوم است که قطعاً نبیذ غیرمسکر هم داریم و آن، قطعاً هم طراز خمر نیست به خصوص در هنگامی که هنوز زمان چندانی از انباز - به معنای ریختن میوه یا طعامی در آب و مدتی کنار گذاشتنش (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۲۳۴) - نگذشته باشد؛ بنابراین تنها نبیذی که می‌توانسته مقصود باشد، قسم مسکر آن است.

مقدمه پنجم: اگر بتوان از روایت، تنقیح مناط نمود و حکم را به تمامی مسکرات سرایت داد، می‌توان به نجاست مسکراتی که شربش غیرمستعارف است، حکم نمود؛ وگرنه (یعنی اگر دلالت این روایت - به عنوان اصلی‌ترین روایت نجاست مسکرات - مختص خمر و نبیذ باشد) دلیلی بر نجاست مسکراتی که شربش غیرمستعارف است وجود ندارد؛ و از آنجا که مطابق اصل طهارت، باید در مورد همه چیز حکم به طهارت نمود مگر آنکه نجاستش اثبات شود، بنابراین فقدان دلیل بر نجاست، خود دلیل بر طهارت می‌شود. این اصل برگرفته از فراز پایانی روایت عمار سبابی و روایت مسعد بن صدقه و امثال اینها می‌باشد. در روایت نخست حضرت به عمار سبابی فرمود: «همه چیز پاک است تا موقعی که علم به نجاستش پیدا کنی و هرگاه دانستی پس نجس است و آنچه ندانستی تکلیفی بر تو نیست» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۵) و در روایت دوم فرمود: «همه چیز بر همن حکم [طهارت] است تا موقعی که خلافش آشکار شود یا بینه‌ای برخلافش باشد» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۶۲۲). باین مقدمات تا اینجا اجمالاً می‌توان گفت: روایت دال بر نجاست مسکرات مایع بالأصالة است و اگر مسکریت الکلی ثابت شود، حکم بر آن جاری می‌شود. اکنون به سراغ کلام فقها ذیل صحیحه مذکور می‌رویم؛

احتمالات در صحیحه علی بن مهزیار

برخی فقها که این روایت را به شکل مبسوط بررسی نموده‌اند، معتقدند در صحیحه علی بن مهزیار برای تعبیر «خذ بقول أبي عبدالله» توسط حضرت رضا (علیه‌السلام)، سه احتمال متصور است که دو احتمال نخست، قابل خدشه و احتمال سوم، مقصود امام است (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، صص ۳۴۶-۳۴۸). این احتمالات و نقد آن توسط خود احتمال‌پرداز چنین است:

احتمال اول: حضرت در مقام آموزش عملی اخبار علاجیه برای شناخت حکم ظاهری در چنین مواردی هستند.

نقد: وقتی پرسش از حکم واقعی است، پاسخ با حکم ظاهری، خلاف ظاهر است.

احتمال دوم: امام صادق (علیه السلام) قول به نجاست را برای تفسیر و توضیح مراد از روایات طهارت و به عنوان حاکم بر ادله طهارت فرموده بوده ولی این مطلب به درستی جانفیتاده بود؛ پس لازم شد که حضرت رضا (علیه السلام) این حکومت را آشکار نمایند.

نقد: این فرض، فاقد دلیل است. به علاوه که احتمال تقیه در نصوص طهارت، جداً احتمال ضعیفی است، چون اقوال عامه در نبیذ طوری نیست که عنوان تقیه و موافقت یا مخالفت با عامه بر آن صدق کند.

احتمال سوم: حضرت رضا (علیه السلام) نقل اول را تکذیب و نقل دوم را تصویب نمودند.

شهید صدر پس از ذکر این احتمالات، احتمال سوم را صحیح‌ترین احتمالات می‌داند ولی متذکر می‌شود که مراد از حکومت این روایت بر کل ادله باب، مراد حکومت اصطلاحی نیست، چرا که دلیل حاکم بر فرض ثبوت دلیل محکوم معنا دارد (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، صص ۳۴۶-۳۴۸). این تعبیر (حکومت صحیح علی بن مهزیار بر روایات باب) در سخنان دیگر فقها نیز به چشم می‌خورد که ذیل احتمال پنجم خواهد آمد.

به نظر نویسنده علاوه بر احتمالات مطرح شده از سوی شهید صدر، دو احتمال دیگر نیز مطرح است که مشابه احتمال دوم هستند:

احتمال چهارم: حضرت رضا (علیه السلام) حکم واقعی را با روایات علاجی بیان کرده‌اند، بنابراین وظیفه، عمل به قول امام صادق (علیه السلام) است که متأخر از پدرشان هستند. چون همانطور که مطرح شد یکی از روشهای حل تعارض بین روایات، اخذ به أحدث است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۷) و این راهکار، می‌تواند اماریت داشته باشد. گویا واقعیت همین حکم متأخر است که از الان به بعد باید بر اساس آن عمل نمود و آن حکم قبلی (طهارت) به هر دلیلی گفته شده بود، الآن و قتش تمام شده است. نظیر آنچه در مورد بداء گفته می‌شود که ما به خاطر جهلمان، فکر می‌کردیم که فلان حکم دائمی است، لذا تبدلش برایمان بداء در حکم الله را تداعی کرد، در حالیکه به تعبیر امام صادق (علیه السلام) این حکم نزد خداوند عالم، از ابتدا زمان مند بود ولی زمان داربودنش به بندگان گفته نشده بود (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۱۸).

احتمال پنجم: آن حضرت (علیه السلام) خودشان قول به نجاست را برای تفسیر و توضیح روایات طهارت و به عنوان حاکم بر ادله طهارت، بیان فرموده باشد، یعنی صدور هر یک از آن دو روایت ائمه پیشین وجهی داشته - که نمی‌دانیم - و الآن باید به فصل الخطاب - که سخن امام رضا

(علیه السلام) است - عمل نمود و نه اینکه این کار توسط امام صادق (علیه السلام) انجام شده بود و حضرت رضا (علیه السلام) آشکارکننده فصل الخطاب باشند.

توضیح این که وقتی از امام صادق (علیه السلام) درباره چرایی اختلاف در احادیث پرسیده شد، حضرت فرمود: «قرآن بر هفت وجه نازل شده و کمترین چیزی که برای امام هست، فتوا دادن بر هفت وجه است» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۵۸) باین توضیح که ممکن است حکم واقعی دارای قید مکملی باشد و آن، انقیاد و اطاعت است، بنابراین به مقتضای روایت «می توانی از باب تسلیم به هر کدام عمل کنی» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۶) می توان قائل به تخییر بین متعارضین غیر قابل جمع عرفی شد. نویسنده معتقد است براین اساس می توان گفت: اگر این پرسش و پاسخ تعینی صورت نمی گرفت، عمل به هر یک به شرط انقیاد و تسلیم جایز بود، البته تخییر ابتدایی و نه استمراری؛ و فرمایش امام رضا (علیه السلام) که فرمودند «خذ بقول ابي عبد الله ع» یکی از دو وجهی که توسط امامان دیگر مطرح شده را برای شیعیان متعین فرمودند.

آنچه به نظر نویسنده اظهر احتمالات بلکه ظاهر از روایت است، همین احتمال پنجم است با توضیحی که ذکر شد. گرچه این مطلب به این شکل در سخنان علما تصریح نشده است و فقط در لابلای مباحث درس خارج استاد سید مجتبی حسینی خامنه یافت گردید، اما می تواند از بهترین تبیین ها برای سخن آن دسته از فقهای باشد که صحیحه علی بن مهزیار را حاکم بر دیگر ادله می دانند، اما نه به معنای حکومت اصطلاحی (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۵۷؛ صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۴۶؛ خمینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۸۷ و ۲۵۶؛ فیاض، بی تا، ج ۴، ص ۴۸۲).

جمع بندی دلالی روایت: باتوجه به عدم دلالت روایت بر نجاست همه مسکرات و دلالت آن بر نجاست خمر و نبیذ مسکر، بنابراین حتی اگر مسکری الکلی احراز شود، باز هم به نجاست آن حکم نمی شود و علی القاعده در مورد آن باید به عمومات فوقانی و اگر نبود باید به اصل مراجعه نمود، البته اینجا عام فوقانی داریم یعنی این فرمایش امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «همه چیز پاک است تا موقعی که بدانی نجس است، پس هرگاه دانستی نجس است و آنچه ندانستی تکلیفی بر تو نیست» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۵).

اما بر فرض پذیرش دلالت این روایت بر نجاست همه مسکرات (آملی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۸۰؛ حسینی نجومی، بی تا، ص ۹۴؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۲۱۵) یا الحاق مسکرات به خمر از حیث حکم (فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۸؛ حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۵) یا تعمیم اسم خمر بر همه مسکرات (مفید، ۱۴۱۳، صص ۶۷ و ۷۳؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱،

ص ۳۶؛ حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۵۲) لازمست برای شناخت دقیق موضوع تلاش شود. نویسنده در این مسیر با مطالعه مباحث علم شیمی آلی (که پیرامون کربن و ترکیبات آن بحث می‌کند) و بررسی تطبیقی سخنان فقها به این نتیجه رسید که تبیین شهید سید محمد صدر و شهید سید محمدباقر صدر، ادقّ موضوع‌شناسی‌های فقهی در مسئله در مورد چیستی الکل است. شهید صدر برای موضوع‌شناسی مقدمه‌ای دو صفحه‌ای می‌آورد که برای افراد غیرعرب‌زبان و یا افراد ناآشنا با علم شیمی، پیچیده و غریب است (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۰-۳۶۳).

تبیین حکم صحیح در مسئله

بر اساس آنچه در موضوع‌شناسی انواع الکل ذکر شد، الکل‌های صنعتی متّخذ از خمر نیستند تا ادله نجاست خمر شاملش شود. همچنین از آنجا که دلیل عام یا خاصی بر نجاست همه مسکرات یافت نشد، بنابراین اسپرتوی صنعتی که از ترکیبات شیمیایی بر روی اتانول پدید می‌آید، اصلاً مسکر نیست تا بر فرض پذیرش حکم عام نجاست همه مسکرات - حکمش استثنا از حرمت و نجاست مسکرات محسوب شود.

اسپرتوی طبی یا همان الکل طبی نیز گرچه مسکر است ولی چنان‌که ذکر شد، با افزودن موادی، مسمویت‌آور و غیرقابل‌شرب گشته است (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۰-۳۶۳؛ کارگری و همراهی، ۱۳۹۱، ص ۲؛ سایت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اراک، ۱۳۹۸.۱۲.۲۴).

حال حتی اگر الکل طبی به نحوی نوشیده شود، باز هم به دلیل نبود دلیلی بر نجاست همه‌ی مسکرات، پاک است. در نهایت نیز اگر ادله قاصر از صدور حکم در این مصادیق باشد، اصل طهارت حاکم است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- فقها برای قول به طهارت الکل به اصل برائت و اصل طهارت، عدم صدق اسم خمر بر آن، روایات طهارت خمر و انصراف ادله به فرد متعارف تمسک نموده‌اند ولی تمام این استدلال‌ها مخدوش‌اند.

- ۲- فقها برای قول به نجاست به اصل احتیاط، اجماع و اجماع مرکب و روایات نجاست و صحیحہ علی بن مهزیار تمسک نمودند که تمامی این استدلال‌ها نیز مخدوش است.
- ۳- انصراف ادله به فرد متعارف، غلط است؛ چرا که صرف عدم وجود و نامتعارف بودن، دلیل بر انصراف نمی‌شود و بعید نیست اسکار حکمت حکم باشد. بنابراین ادله مسکرات - بر فرض دلالت - شامل مسکراتی که شربش متعارف نیست نیز می‌شوند.
- ۴- صحیحہ علی بن مهزیار، به عنوان دلیل حاکم بر همه روایات باب مسکرات، ادله طهارت را از حجیت یا اراده جدی ساقط و فقط نجاست خمر و نبیذ مسکر را اثبات می‌کند، اما نجاست همه مسکرات را اثبات نمی‌کند.
- ۶- در شبهات مصداقیه می‌توان با مراجعه به خبره و موضوع‌شناسی دقیق، حکم را استنباط نمود و در این هنگام نوبت به تمسک به عام فوقانی یا اجرای اصول عملیه نمی‌رسد.
- ۷- موضوع‌شناسی دقیق الکل و فراورده‌های آن موجب یقین به مسکریت الکل طبی و عدم مسکریت سایر اقسام آن است - گرچه همگی مسمومیت‌آورند و شرب هیچ یک مقدور نیست - لذا بنابر قبول مبنای نجاست همه مسکرات، باید قائل به طهارت واقعی (نه ظاهری) همه اقسام الکل و نجاست واقعی (و نه ظاهری) الکل طبی شد و بر فرض رد مبنای نجاست همه مسکرات - که این صحیح است - قائل به طهارت واقعی همه اقسام الکل می‌شویم.

فهرست منابع:

- قرآن کریم
- عهد عتیق و عهد جدید
- ابن‌سیده، علی بن اسماعیل، «المحکم و المحيط الأعظم»، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه و منشورات محمد علی بیضون، ۲۰۰۰.
- اردبیلی، احمد بن محمد، «زبدۃ البیان فی أحكام القرآن»، چاپ اول، تهران، المكتبة المرتضویة لآحیاء الآثار الجعفریة، بی‌تا.
- اردبیلی، احمد بن محمد، «مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان»، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ازدی، عبدالله بن محمد، «کتاب الماء»، چاپ اول، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران - مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، ۱۳۸۷.
- انصاری، مرتضی، «فرائد الأصول»، چاپ نهم، قم، مجمع فکر اسلامی، ۱۴۲۸.
- آذربادگان، حسینعلی، «بررسی علمی و فقهی الکل و فراورده‌های آن»، کاوشی نو در فقه، بهار و تابستان ۱۳۸۱ شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۱۸۳ - ۲۶۰.
- آملی، میرزا هاشم، «المعالم المأثورة»، چاپ اول، قم، المطبعة العلمية، ۱۴۰۶.
- بحر العلوم بروجردی، سید مهدی، «الفوائد الرجالیة»، چاپ اول، تهران، منشورات مکتبه الصادق، ۱۴۰۵.
- بحرانی، یوسف بن احمد، «الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة»، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵.
- بحرانی، یوسف بن احمد، «شرح الرسائل الصلواتیة»، چاپ اول، بوشهر، ناشر: محمد بن شیخ عبدالمجید، ۱۴۰۳.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، «صحيح البخاری»، چاپ اول، دمشق، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲.
- حسینی نجومی، سید مرتضی، «الرسائل الفقهیة»، چاپ اول، قم، بی ناشر، بی‌تا.
- حلبی، حمزة بن علی بن زهره، «غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع»، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۴۱۷.
- حلبی، حسن بن یوسف بن مطهر، «تذکره الفقهاء»، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البتیت (علیهم‌السلام) لآحیاء التراث، ۱۴۱۴.
- حلبی، حسن بن یوسف بن مطهر، «مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة»، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
- حلبی، حسین بن علی، «دلیل العروة الوثقی»، بی‌جا، نجف، مطبعة النجف، ۱۳۳۸ ش.
- خمینی، سید روح‌الله، «کتاب الخلل فی الصلاة»، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۸۴.
- خمینی، سید روح‌الله، «کتاب الطهارة»، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، تهران، ۱۴۲۱.
- خمینی، سید مصطفی، «تحریر العروة الوثقی»، بی‌جا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، تهران، ۱۳۷۶.
- خوانساری، آقا حسین بن محمد، «مشارق الشمس فی شرح الدروس»، بی‌جا، بی‌جا، بی ناشر، بی‌تا.
- خوانساری، سید احمد بن یوسف، «جامع المدارک فی شرح مختصر النافع»، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵.
- خوئی، سید ابوالقاسم، «التنقیح فی شرح العروه الوثقی»، قم، تحت اشراف رضا لطفی، ۱۴۱۸.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، «مسند الدارمی»، چاپ اول، ریاض، دار المغنی، ۱۴۲۱.
- رفیعی، محمود، «بررسی نجاست مسکرات از منظر محقق اردبیلی، صاحب‌جواهر، شهید صدر و امام خمینی علیهم‌الرحمة»، رساله سطح ۳ حوزه علمیه قم، دفاع در ۱۳۹۹.
- سیستانی، سید علی، «منهاج الصالحین»، چاپ اول، مکتب‌ایة‌الله العظمی السید السیستانی، قم، ۱۴۱۴.

- شهید ثانی، زین الدین بن علی، «روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان»، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، بی تا.
- صبور اردوبادی، احمد، «بررسی فراورده‌های الکلی از نظر فقه اسلامی»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال سیزدهم دی ۱۳۵۱ شماره ۱۲، صص ۹۱۶-۹۱۸.
- صبور اردوبادی، احمد، «ترکیبات الکلی از نظر فقه اسلامی»، دارالتبلیغ الإسلامي، قم، بی تا.
- صدر، سید محمد، «ما وراء الفقه»، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۴۰.
- صدر، سید محمدباقر بن حیدر، «بحوث فی شرح العروه الوثقی»، چاپ دوم، قم، مجمع الشهیدایةالله الصدر العلمي، ۱۴۰۸.
- صدر، سید محمدباقر بن حیدر، «دروس فی علم الأصول»، چاپ دوم، بیروت، دار المنتظر، ۱۹۸۶.
- صدوق، محمد بن علی، «التوحید»، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸ ه.ق.
- صدوق، محمد بن علی، «الخصال»، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- صدوق، محمد بن علی، «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، چاپ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۸۷.
- صدوق، محمد بن علی، «من لا یحضره الفقیه»، چاپ پنجم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
- طباطبایی قمی، سید تقی، «مبانی منهج الصالحین»، چاپ اول، قم، منشورات قلم الشرق، ۱۴۲۶.
- طوسی، محمد بن الحسن، «الخلاف»، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷.
- طوسی، محمد بن الحسن، «الفهرست»، چاپ اول، نجف، المکتبه الرضویه، بی تا.
- طوسی، محمد بن الحسن، «المبسوط فی فقه الإمامیه»، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷.
- طوسی، محمد بن الحسن، «تهذیب الأحکام»، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
- طوسی، محمد بن الحسن، «رجال الطوسی»، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۷.
- عاملی، حسن بن زین الدین، «معالم الدین و ملاذ المجتهدین»، چاپ اول، قم، مؤسسه الفقه للطباعه و النشر، ۱۴۱۸.
- عمانی، حسن بن علی بن ابی عقیل، «مجموعه فتاوی ابن ابی عقیل»، چاپ اول، قم، بی ناشر، بی تا.
- عیاشی، محمد بن مسعود، «التفسیر»، چاپ اول، تهران، المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰.
- فاضل آبی، حسن بن ابی طالب، «کشف الرموز فی شرح المختصر النافع»، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، «التنقیح الرائع لمختصر الشرائع»، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه‌ایت‌الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، «کنز العرفان»، چاپ اول، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۴۲۵.
- فیاض، محمد اسحاق، «تعلیق مبسوطه علی العروه الوثقی»، قم، چاپ اول، انتشارات محلاتی، بی تا.
- کارگری علی و همراهی زهرا، «کاربرد تقطیر وکنشی جهت آبیگری از اتانول توسط کاتالیست جامد اسیدی»، اولین کنفرانس بین المللی نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاهی، تهران، تیر ۱۳۹۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق.
- گلپایگانی، سید محمدرضا، «مختصر الأحکام»، چاپ هشتم، قم، دار القرآن الکریم، ۱۳۷۱.
- محسنی قندهاری، محمدآصف، «الفقه و مسائل طبیه»، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
- محقق حلی، جعفر بن حسن بن یحیی، «المعتبر فی شرح المختصر»، چاپ اول، قم، مؤسسه سید الشهدا (علیه السلام)، ۱۴۰۷.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، «ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد»، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۲۴۷.
- مفید، محمد بن نعمان، «المفیده»، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، «رساله توضیح المسائل»، چاپ پنجاه و دوم، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۹.
- نجاشی، احمد بن علی، «فهرست أسماء مصنفی الشیعه»، بی جا، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷.

- نجفی، محمدحسن بن باقر، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.
- وحدتی شبیری، سید حسین، «الکل و فراورده‌های آن در فقه اسلامی»، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
- سایت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اراک (www.arakmu.ac.ir)

